

رویداد

کلوله‌باران مفرهای تروریست‌ها در مرز اقلیم کردستان عراق توسط ایران

● ایسنا؛ روابطعمومی نیروی زمینی سپاه در اطلاعاتی‌ای از کلوله‌باران مفرهای تروریست‌ها در حاشیه مرزهای اقلیم کردستان عراق توسط ایران و هلاکت و زخمی‌شدن شمار زیادی از تروریست‌ها خبر داد. در پی تحركات اخیر تروریست‌های تحت حمایت استکبار جهانی در مناطقی از غرب و شمال‌غرب کشور ضد امنیت و آرامش ملت ایران، روابطعمومی نیروی زمینی سپاه در اطلاعاتی‌ای اعلام کرد: در پی اقدام تروریستی روزهای اخیر گروهک‌های ضدانقلاب و تحت حمایت استکبار جهانی در مناطق از غرب و شمال غرب کشور و به‌شهادت‌رساندن شهید سرفراز و دلآور «حاصل احمدی» و دو تن از پاسداران غیور اسلام و تلاش مذبوحانه در برهم‌زدن امنیت استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامه هشدارهای قبلی کشورمان به اقلیم کردستان عراق مبنی‌بر جلوگیری از استفاده گروهک‌های تروریستی از مناطق حاشیه مرزهای مشترک با جمهوری اسلامی ایران برای فعال‌کردن مفرها برای آموزش، سازماندهی و کسبل تیم‌های تروریستی در نفوذ از مرز و انجام اقدامات تروریستی و ضدانمنیتی در میهن اسلامی ما و بی‌توجهی و مسامحه در این خصوص، از روز چهارشنبه (۱۹ تیرماه) مفرهای فعال و محل استقرار و آموزش گروهک‌های تروریستی ضدانقلاب در این مناطق را هدف قرار داد. در این عملیات که توسط واحدهای موشکی، پهبادی و توپخانه نیروی زمینی سپاه انجام پذیرفت، مراکز فعال تروریست‌ها هدف قرار گرفت و علاوه‌بر انهدام آنها، شمار زیادی از عناصر تروریستی به هلاکت رسیدید و با زخمی شده‌اند که اطلاعات تکمیلی متعاقبا به آگاهی ملت شریف ایران رسانده خواهد شد. در اطلاعاتی نیروی زمینی سپاه تصریح شده است: با اشراف اطلاعاتی و شناخت دقیق یگان‌های اطلاعاتی و عملیاتی از نقاط و محل‌های استقرار تروریست‌های مزدور، اهداف موردنظر به دقت مورد اصابت قرار گرفته و مراحل عملیات نیزِ تصویربرداری و مستندسازی شده است. این اطلاعیه تأکید کرده است: همان‌گونه که بارها تصریح شده است، امنیت ملی و حفظ آرامش و آسایش ملت ایران به‌ویژه مردم عزیز و غیور استان‌های مرزی خط قرمز نیروهای مسلح کشور به‌ویژه نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده و در این خصوص هیچ ملاحظه و مرزی را نمی‌شناسد و تروریست‌ها را در هر سوراخی که خیزد باشنه به سزای اعمال ننکین و جنایتکارانه‌شان خواهند رساند، همچنین از اقلیم کردستان عراق انتظار می‌رود با جدی‌گرفتن هشدارها و تذکرات جمهوری اسلامی ایران، بیش از این اجازه ندهد سرزمین خود به پایگاه و محل آموزش، تربیت و سازماندهی تروریست‌ها برای ارتکاب جنایات تروریستی و به‌مخاطرانداختن امنیت پایدار کشورمان تبدیل شود.

-

اطلاعاتی‌ای از کلوله‌باران مفرهای تروریست‌ها در حاشیه مرزهای اقلیم کردستان عراق توسط ایران

وحیده کریمی: اگر امروز به چهار دهه عمر انقلاب اسلامی ایران نگاهی بیندازیم، چه میزان از تصمیمات و اقدامات درست و بهنگام بوده است؟ چه تصمیماتی نابهنگام گرفته شده است تا ماحصل آن تصمیمات بشود شرایطی که امروز با آن مواجهیم. اکنون با توجه به تجربیات گذشته چه باید کرد تا کشور در مسیر درستی حرکت و از بحران‌ها به سلامت گذر کند. این سؤالات را ما از بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان در چند ما اخیر پرسیده‌ایم و این‌بار به سراغ حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران، رفته‌ایم تا به آسیب‌شناسی اقدامات داخلی و خارجی و تصمیمات درست و نادرست در چهار دهه اخیر بپردازیم. از آنجایی که در سال انتخاباتی قرار داریم، بخش مهمی از برگزاری انتخابات برشور به حضور و نقش اصلاح‌طلبان بازمی‌گردد و اهمیت این موضوع به میزانی است که به گفته حسین مرعشی، پشت‌کردن به صندوق‌های رأی پایان اصلاح‌طلبی خواهد بود. از سویی کشور در شرایط اقتصادی مساعدی قرار ندارد و مردم دل در گرو نتایج انتخابات‌ها برای اصلاح امور ندارند از این‌رو داشتن برنامه‌هایی مدون و تاکتیک‌های درست در انتخابات پیش‌رو اجتناب‌ناپذیر است. هرچند حسین مرعشی سیاستور را خوشه‌چینی می‌داند که برای چنین روزهایی از قبل برنامه‌ریزی نداشته‌اند و منتقل شدن احزاب هم از همین نگاه نشئت گرفته است؛ احزابی که اگر قدرتمند باقی می‌ماندند، فضای شادابی را برای سیاست رقم می‌زدند. آنچه در پی می‌آید، متن گفت‌وگویی است که «شرق» با حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران، داشته است.

✎ جناب مرعشی، همان‌گونه که مستحضر هستید، در چند ماه اخیر در روزنامه «شرق» به بررسی بهنگامی و نابهنگامی تصمیمات در ۴۰ سال اخیر پرداخته‌ایم تا با آسیب‌شناسی تصمیمات در گذشته، بتوانیم در شرایط امروز ایران و با توجه به تهدیدها و فرصت‌های داخلی و خارجی‌ای که وجود دارد، به راهکاری برسیم که به ما بگوید اکنون چه باید کرد؟ حال ارزایی شما از تصمیمات بهنگام و نابهنگام در ایران چگونه است؟

در پاسخ به سؤال شما باید به صحبت‌هایی که در محافل خصوصی بارها گفته‌ام، اشاره کنم. معتقدم از سال ۹۷ باید روی ارزیابی ۴۰ سال گذشته متمرکز می‌شدیم تا بتوانیم آینده را برپیزی کنیم زیرا اکنون به‌خوبی می‌دانیم در سه حوزه با مشکلاتی جدی روبرو هستیم؛ یکی در حوزه ساختارهای نظام، دومی در حوزه سیاست‌های کلان که همان دکترین است و دیگری هم تعیین تکلیف سیاست‌های داخلی است. در ساختارهای نظام؛ اکنون روشن شده است که اختیارات هیچ دولتی امروز به معنای واقعی عهده مجریه متشکل از رئیس‌جمهور و هیئت

وزیران نیست. دیگر همه می‌دانیم اختیارات و مسئولیت‌ها با هم سازگار نیست؛ امروز بدون تعارف باید جایگاه و مسئولیت‌ها را تعیین تکلیف کنیم. در ساختارهای نظام و تقسیم قدرت در قوای سه‌گانه علائم‌های مثبتی دیده نمی‌شود که ما بتوانیم آینده را بر اساس آن پی‌ریزی کنیم. بعد از اصلاح قانون اساسی و حذف نخست‌وزیری، تجربه اولین ریاست‌جمهوری طبق قانون اساسی سال ۶۸، به آغاز رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی و فسنجانی می‌گردد. ریاست‌جمهوری آقای روحانی چهارمین تجربه ماست که نشان می‌دهد با گذشت زمان جایگاه و مسئولیت‌های قوه مجریه با ضعف مواجه شده

است. اولین تجربه، تجربه ریاست‌جمهوری آقای هاشمی و روابط ایشان با مقام معظم رهبری بود که از قدیم خیلی به هم نزدیک بودند و در واقع با هم شروع کردند و خیلی هم با یکدیگر صمیمی بودند. شخص هاشمی بارها گفته بودند «زیر این کتبد کبود صاحب صلاحیت‌تر از آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری نمی‌شناسم» از آن نقطه اتحاد شروع کردند و بعد

سیاست

گفت‌وگو باحسین مرعشی درباره بهنگامی و نابهنگامی تصمیمات سیاسی

همه‌سیاسیون ما خوشه‌چین‌اند

عارف، جهانگیری، شریعتمداری، دهقان و قاضی‌زاده هاشمی خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آماده می‌کنند



عکاس:

شهید تاجی شرق

از ایران بالاتر رفته است. امروز جهان صنعت و بازار انرژی دنیا منهای نفت ایران اداره می‌شود و ایران از بازار جهانی نفت محترمانه حذف شده است و همه می‌دانند از کجا به کجا رسید. آقای روحانی هم که ۲۴ سال نماینده مقام معظم رهبری در شورای امنیت ملی بود، امروز خواستار برگزاری رفراندوم است زیرا بین اختیارات و مسئولیت‌ها فاصله ایجاد شده است. در ساختار فعلی نظام، دولت را به عنوان مسئول اداره کشور، اداره اقتصاد و فرهنگ و امور اجتماعی مسئول تأمین امنیت کشور، مسئول تأمین بودجه و توسعه کشور و همه مسئولیت‌های مهم از قدرت تهی می‌بینیم دولت کاملاً از قدرت تهی شده است.

✎ خب، در این شرایط چه باید کرد؟

به عنوان کسی که در همه این سال‌ها در همکاری با نهادها در جریان بسیاری از تصمیمات هستم و مسائلی که مردم از پشت صحنه آنها بعضاً مطلع نیستند به‌خوبی مطلع هستم، باید پیشنهاد کنم در این بخش نظام نیازمند تعیین تکلیف هستیم.

✎ این تعیین تکلیف به چه صورتی امکان دارد انجام شود؟

دو جهت هم بیشتر نیست با تغییر قانون اساسی می‌توان با حذف رئیس‌جمهور و استقرار نخست‌وزیری، رهبری هر فردی را صالح می‌دانند برای این مقام به مجلس معرفی کنند مجلس هم

برسی خواهد کرد و رأی خواهد داد.

✎ حالت بعدی چگونه است؟

اگر این تغییر مورد توافق نیست، باید پذیریم قدرت در دولت متمرکز نشود و بخش زیادی از اختیارات مستقیماً توسط رهبری یا بر اساس قانون اساسی؛ «از جمله هماهنگی قوای سه‌گانه» در حوزه دولت بیاید. وقتی می‌گوییم دولت؛ یعنی در کنار تشکیل کابینه، سیاست‌های قضائی و مباحث فرهنگی و امنیتی از دولت جدا نباشند، بالاترین مقام قضائی باید وزیر دادگستری باشد. رهبری به عنوان مظهر وحدت ملی به عنوان مدافع جمهوریت و اسلامیت و مدافع مردم لازم است در یک هاله از تقدس باقی بماند و همه اختیارات اجرایی به دولت برسد.

✎ هر یک از این پیشنهادهای شما منتقدان سرسخت خود را دارند. با حذف ریاست‌جمهوری انتخابات مستقیم را به غیرمستقیم تبدیل کنیم یا چرا باید بعد از ۴۰ سال اصل استقلال قوا را نقض کنیم. این تصمیمات دورشدن از دموکراسی نیست؟

من نمی‌خواهم انتخاب کنم، انتخاب من معلوم است. کشور باید تعیین تکلیف شود، شکافی که اکنون وجود دارد از دوران آقای هاشمی ایجاد شد، البته آن زمان زاویه کم بود اما به مرور زمان این شکاف افزایش پیدا کرد و دیگر اداره کشور را سخت کرده است. در بحث مهمی همچون برجام، دچار اختلاف برداشت‌های فوق‌العاده می‌شویم تا جایی که به نقطه‌ای می‌رسیم که خارجی‌ها به این می‌رسند که نامه را به جای دکتر طریف باید به آقای ولایتی بدهند. این‌گونه نمی‌شود کشور را اداره کرد. از نظر من مهم این است کشور اداره شود. بحث مهم همین اداره کشور است.

✎ بعد از ساختار نظام شما سیاست‌های کلان یا همان دکترین را مطرح کردید؛ منظور شما از تغییر در سیاست‌ها چه بود؟

در بحث سیاست‌های کلان، جمهوری اسلامی باید تعیین تکلیف کند که در دکترین جمهوری اسلامی با سیاست اصل باشد یا اقتصاد؛ این دو قابل ترکیب با هم نیست. ما نمی‌توانیم در منطقه خاورمیانه پیش‌تاز برخی حرکت‌ها باشیم و بعد هم بخواییم توسعه اقتصادی انجام دهیم و اقتصاد برتر منطقه باشیم. آن چیزی که در چشم‌انداز ۱۴۰۴ آمده، دارای تضاد است. دو استراتژی متضاد را نمی‌شود در یک استراتژی با هم ترکیب کرد. استکبارستیزی با رشد اقتصادی هشت درصد قابل جمع نیست. در جهان واقع این‌چنین امری اتفاق نمی‌افتد اقتصاد ترکیه و عربستان دو برابر ایران است، اقتصاد امارات

باشیم. فرانسیون امید فراکسیون حداقلی ماست. ما با این جمع حداقلی نمی‌توانیم مسئولیت حداکثری بپذیریم. مدل‌های مختلفی در دنیا تجربه شده است. ما باید مدلی را که برابمان قابل اجراست، انتخاب کنیم. مگر اکنون در جمهوری آذربایجان یا ترکمنستان انتخابات آزاد وجود دارد. مگر در عربستان اصلاً انتخاباتی هست یا در امارات. حتی در روسیه مگر انتخابات آزاد وجود دارد؟ ایران قلب اروپا نیست و نمی‌توان به دنبال آزادی‌های سوئیس در ایران بود. چین با رشد اقتصادی خیره‌کننده مگر با دموکراسی به اینجا رسیده است. هنوز هم حزب کمونیست چین حاکم است. با روش‌های مختلفی یک کشور قابل اداره است به جز بلاتکلیفی.

✎ بخش عمده این بلاتکلیفی به قدرت دولتی که سر کار است بازمی‌گردد. درست است که اصل استقلال قوه وجود دارد؛ اما برخی قدرت‌ها در اختیار دولت نیست و... خبر هر شخصی که ادعای ریاست‌جمهوری دارد بر این امور واقف است؛ بنابراین اگر خود دولت قوی عمل کند و تصمیمات درست و بهنگامی اتخاذ کند، از درص این بلاتکلیفی کاسته خواهد شد اما ما دولت را تهی از قدرت می‌بینیم که فضا را برای مداخله دیگران فراهم کرده است! حال با رفراندوم یا تغییر قانون اساسی به کجا خواهیم رسید. مگر تندرهای داخلی اجازه خواهند داد در جهت افزایش دموکراسی و اختیارات دولت تغییر انجام شود؟ در تغییر رأی دافن اساسی یا سیاست‌های داخلی در فضای امروز ایران معلوم نیست چند گام به عقب در دموکراسی خواهد بود! از سویی اینکه رئیس‌جمهور مدام بگوید اختیار ندارم هم برای افکار عمومی تکراری شده است!

ما مطلب شما را می‌پذیرم. حتماً دکتر روحانی می‌توانست با ابتکاراتی فضا را مدیریت کند. این موضوع را رد نمی‌کنم. اینهایی که گفتیم فراتر از این دولت و آن دولت است. بارها گفته‌ام؛ امروز با این ساختاری که داریم به انتهای یک فرایند رسیده‌ایم. اگر آغازش را زمان آقای هاشمی بگیریم انتها را باید دوره فعلی آقای روحانی بدانیم. برای آغاز دوره جدید باید تصمیمات دیگری گرفته شود. اگر به انتها رسیده‌ایم باید آقای روحانی، آقای خاتمی و هم بنده و شما و همه جامعه بدانیم هیچ فردی بدون تأیید نظام از فیلتر شورای نگهبان عبور نخواهد کرد. هیچ قانون و مقرراتی و هیچ تصمیمی که بدون هماهنگی با مجموعه نظام گرفته شود، به نتیجه نخواهد رسید. امروز اگر قرار باشد فردی رئیس‌جمهور ایران شود، باید خود را رئیس‌جمهور مردم و رهبری بداند نه فقط رئیس‌جمهور مردم. یک رئیس‌جمهور باید بتواند این دو را با هم جمع کند. اگر این جمع را انجام ندهد موفق نخواهد بود. فراموش نکنیم که مردم و حتی دگردیشتان از این توافق بسیار خشنود شد؛ یکی از صلابت رهبری در برخورد با نخست‌وزیر زاین؛ وقتی که او با دست خالی می‌آید و حتی به عنوان کسی که می‌خواهد حسن نیت نشان دهد در نقش میانجیگری حاضر شود اما حاضر نیست دو میلیارد دلار منابع ما را که در بانک‌های زاین است آزاد کند تا غذا و دارو وارد کشور کنیم و این را هم منوط می‌کند به مذاکره با ترامپ؛ یعنی پول نفت ما را گروگان می‌گیرد. حتماً باید رهبری این‌گونه یا او صحبت می‌کردند که کردند. صلابت رهبری در برخورد با نخست‌وزیر زاین بهنگام و درست بود و باعث ایجاد احساس غرور در ایرانیان شد و اتفاق دوم هم ساقطکردن پهباد آمریکایی در آسمان ایران بود که نشان داد اگر آمریکا با همه قدرتش به فضای ایران تجاوز کند، ما پهباد رادارگیرز آنها را با قدرت نیروهای مسلح و سیاه می‌توانیم ساقط کنیم. حالا سؤال این است که یک رئیس‌جمهور عاقل و خردمندی که مسئله‌های مسئله مردم ایران باشد، دغدغه بی‌کاران فارغ‌التحصیل فراوان ایران باشد؛ دغدغه‌اش عدم تعادل بین هزینه و درآمد حداقل ۵۰ درصد مردم باشد این قدرت را نمی‌آورد پشت سر دولت، باید از این قدرت استفاده کند؟ مطمئناً جواب مثبت است. نمی‌گویم الزاماً راهکارهای من استفاده شود. اما به همین برجام نگاه کنیم، برجام یک تجربه زنده در تاریخ ایران است، چگونه به برجام به وجود آمد؟ سه عامل اراده رئیس‌جمهور، کارشناسی طراز اول ملی (کارشناسی جناحی نبود) و جلب حمایت رهبری با هم ترکیب شد تا برجام شکل بگیرد. چرا

در بقیه مسائل این کار را نمی‌کنیم؟ اگر در اقتصاد ایران بخواهید تصمیمات برجسته بگیرید، یعنی کارشناس خبره ندارید؟ کارشناس خبره در سیاست منطقه ندارید؟ وقتی نتوانیم بین سردار سلیمانی و ظریف هماهنگی‌های لازم را انجام دهیم و نتوانیم یک مجموعه متحدی را به وجود بیاوریم مسئله‌ای از ما حل نمی‌شود. این‌گونه خیلی از توانایی‌ها و برگ‌های برنده ما ممکن است به برگ بازنده‌مان تبدیل شود زیرا بین خودمان هماهنگ نیستیم. حتماً من این انتقاد را از شما می‌پذیرم. من اگر جای آقای روحانی بودم، حتماً صلابت رهبری را بیشتر مورد استفاده قرار می‌دادم به جای اینکه دیگران استفاده کنند. دولت اصل است و بقیه تابع شرایط هستند، نباید ما به این نقطه می‌رسیدیم.

ادامه در صفحه ۱۵

آرینه

تجربه

اروپا و ترامپ

● سعید عابدیور؛ واقعیت این است که اروپا در مقابل ترامپ تحقیر شده است. ترامپ بارها علنی به تحقیر و تهدید اروپا پرداخته. در سفری که ترامپ چندی قبل به اروپا داشت، صراحتاً اتحادیه اروپا را دشمن خواند و گفت با اروپا شاید مانند چین برخورد کنیم. او به خانم ترزا می گفت شما باید از برجام خارج شوید و حتی علیه اتحادیه اروپا شکایت کنید. برخورد آمریکا با اروپا در چارچوب موازنه قدرت بین‌المللی تا حدی قابل فهم است. چین به‌تدریج به‌عنوان رقیب استراتژیک و خطر امنیت ملی آمریکا خود را می‌نماید. در چنین وضعیتی آمریکا به اروپا اجازه نمی‌دهد تا به‌عنوان یک قطب اقتصادی و سیاسی در موازنه قدرت بین‌المللی نقشی مستقل ایفا کند. بلکه از اروپا می‌خواهد دنباله‌روی آمریکا باشد. اوباما کوشید در مقابل روسیه و چین، همکاری بیشتری با ۱۱ کشور حوزه اقیانوس آرام و اتحادیه اروپا داشته باشد. ولی ترامپ از معاهدات مربوط به همکاری در قالب توافقات TE و TTIP خارج یا به تضعیف آنها پرداخت. ترامپ در آرزوی «اول آمریکا» همه و حتی اروپا را رقیب و گاه دشمن خود فرض می‌کند. از نظر ترامپ آلمان و سایر کشورهای اروپا به اندازه چین رقبای خطرناک تجاری هستند. هدف او تضعیف همکاری‌های آلتانٹیک است و مشخصاً گفته که دلش نمی‌خواهد خودروهای مرسدس بنز را در خیابان‌های نیویورک ببیند.

ایران

اهرم جدید آمریکا علیه ایران

● علی بیگلری، کارشناس مسائل بین‌الملل؛ واضح است در شرایطی که آژانس پیش از آن ۱۴ بار بر پایبندی تمام و کمال ایران به تعهدات برجامی‌اش حتی در دوره یک‌ساله پس از خروج آمریکا از برجام مهر تأیید زده است، آمریکا محلل خوبی برای ایجاد اجماع علیه ایران نیافته است. این کشور قصد دارد از طریق دیپلماتیک به کشورهای عضو شورای حکام و طرح اتهامات جدید در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، پرونده هسته‌ای ایران را پس از تصویب قطع‌نامه شورای حکام به شورای امنیت ببرد تا مجدداً ذیل فصل هفتم منشور، جامعه بین‌الملل را علیه ایران همراه کند. پیداست این تلاش در موقعیتی که کشورهای بزرگ اروپایی برای پیداکردن راه کاشش تنش میان ایران و آمریکا و همچنین عملیاتی‌کردن سازوکار تسهیل تجارت با تهران تلاش می‌کنند، راه به جایی نخواهد برد. به‌ویژه که تصمیمات در شورای حکام بر اساس رأی اجماعی ۳۵ کشور عضو شورا اخذ می‌شود و به نظر می‌رسد کشورهایی از این کشورها که از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا نسبت به برجام دل خوشی ندارند، برخواسته آمریکا دست رد بزنند.

کندو و مسئله بی‌اعتمادی

● نعمت احمدی؛ پیش از این سریال بسیاری از مردم عادی از وجود اختلاف دو نهاد آگاه نبودند اما حال از وجود این مسئله احساس نگرانی می‌کنند. وجود اختلاف در جامعه به نفع هیچ‌کس نیست اما این سریال به گسست دامن می‌زند و اعتماد عمومی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در شرایط فعلی نیز که کشور درگیر فشارهای خارجی و تحریم‌های بی‌رحمانه است، اختلاف‌افکنی و تخریب چهره مسئولان امر چند برابر بیشتر از شرایط عادی آسیب‌زا خواهد بود. مسئله دوم آن است که این سریال نشان می‌دهد ایرانی‌ها چنان روی آمریکا مسلط هستند که اصل نام رئیس‌جمهور آمریکا به یک جاسوس را در اختیار دارند، اما همزمان در سریال گفته می‌شود که آمریکایی‌ها تا طمع آدامس رئیس‌جمهور را نیز می‌دانند و به حساس‌ترین مراکز کشور نفوذ کرده‌اند. از طرفی به مردم می‌گوییم تا دفتر رئیس‌جمهور آمریکا نفوذ کرده‌ایم و سطح نیروهای امنیتی آنها در این حد نازل است، از سوی دیگر مردم ما شاهد به‌شهادت‌رسیدن سردار رشیدی چون شهید تهرانی‌مقدم و دانشمندانی چون شهید علی‌محمدی و شهید احمدی‌روشن هستند. این مسائل در مردم تردید ایجاد می‌کند که خود بزرگ‌ترین آسیب ممکن در شرایط فعلی است. در شرایط کنونی که کشور با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کند نیاز است تا وحدت در جامعه تقویت و این‌انگفته به مردم منتقل شود که مسئولان در حال تلاش برای رفع مشکلات هستند.

شهرود

«آشنا» که غریبه نیست!

● به خدا حفظ ظاهر، چیز بدی نبوده و نیست! حالا حذف نظر بخشی از مردم (مثلاً در همان توئیتر و به قول گوینده اینستاگرام) کار جدیدی نیست ولی اینکه به نظر کسی چون حسام‌الدین آشنا چنین برخورد شود، نوبر است. او نه عادل فردوسی‌پور است که دچار کینه‌ورزی شده باشد، نه قرار است حرفی خارج از چارچوب‌های مشخص نظام بزند، نه شخصیت و جایگاهش چنین اجازه‌ای به او می‌دهد و نه سابقه و ستمش. تازه عضو شورای نظارت بر صداوسیما هم هست! دیگر اگر آشنا هم در تلویزیون ما غریبه باشد، دیگر چه کسی قرار است نقد کند یا با بخشی از یک سریال تخیلی/واقعی مخالف باشد؟

politics@sharghdaily.ir